

آرشیو

نویسنده: Julien Theron
کارشناس سیاسی و مشاور ژئوپولیتیک درگیری ها.

Manoutchehr Marzbanian منوچهر مرزبانیان
Yahya Qanie محمد یحیی قانعی

کدام یک غلبه می کند؟

رقابت شوم بین القاعده و دولت خلافت اسلامی (داعش)

خواست مطرح شده در کشتار «چارلی ابدو» به وسیله شاخه القاعده در شبه جزیره عربستان، جنبشی را به رسانه ها نشان میدهد که قبلا به خاطر موفقیت های نظامی داعش به عقب رانده شده بود. با این حال، این دو گروه با وجود هدف ها و رفتار بیرحمانه مشابه، راهبردهایی متفاوت دارند.

زمانیکه در سال ، اسامه بن لادن و ابومصعب الزرقاوی، که برای نبرد با اتحاد جماهیر شوروی به کوهستان های افغانستان رفته بودند، با یکدیگر دیدار کردند، بدون شک درباره نقشی که در گسترش افراطی اسلام بازی می کردند تردید . بن لادن رویای رهبری اسلامی تمام جهان را بر سر داشت و الزرقاوی اردنی هم فکر برقراری شریعت سلفی در قلب خاور را در سر می پرورد تا جایگزین پادشاهی خاندان هاشمی در اردن شود که از آن نفرت داشت. این دو برنامه، یکی مبهم و پیامبرگونه، و دیگری دقیق و مشخص، مسیر این دوتن را همانند القاعده و دولت خلافت اسلامی [داعش] تعیین کرد.

الزرقاوی در راس گروه کوچک اما بین المللی «جماعت التوحید و الجهاد» () تصمیم گرفت فعالیت های گروه خود را پس از اشغالگری امریکا در سال ، از اردن به عراق منتقل کند . او از حمایت بن لادن برخوردار شد . ضد امریکایی او همراه با گوناگونی تاکتیک ها و خشونتش با روش های تروریستی جنگ سرد (آدم کشی های هدفمند، سوء قصدها و خودروهای انفجاری) که گروهش روز به روز در آنها پیشرفت می کرد و الزرقاوی به آنها روش هایی نمایشی (ابزارهای انفجاری غیرمنتظره، سوء قصدهای انتحاری و گردن زدن) را نیز افزود . سازمان او در قلمرویی هدف ها را چندبرابر کرد: نیروهای امریکایی و متحدان آن، سفارت اردن، دولت عراق، چاه های نفت، پولیس عراق، مسجدهای شیعیان، مسئولان سیاسی، پوسته های مرزی عراق- اردن، گروگان های غیرنظامی خارجی، مردم معمولی در بازارها، سازمان ملل متحد و کمیته بین المللی صلیب سرخ را هدف قرار داد.

، پیوستن رسمی الزرقاوی به بن لادن نام گروه او را به « » « یا به طور دقیق تر » ی جهاد در سرزمین میانرودان [دجله و فرات] « یا بین النهرین تبدیل کرد، زیرا چنان که راهبرد او نشان می داد، الزرقاوی خود را به مرزهای حاصل از استعمار محدود نمی کرد . توسط امریکایی ها کشته شد . چهارماه بعد، سازمان او که خیلی ضعیف شده بود، به سرکردگی فردی به نام ابوبکر البغدادی به «دولت اسلامی عراق» تغییر نام . او درکنار « » که رئیس آن در کشتن لورنس فولی دیپلمات امریکایی در امان در سال () الزرقاوی کار کرده بود، در سال به بی ثبات کردن شمال لبنان پرداخت.

هنگامیکه بن لادن از بین رفت، البغدادی با تاکید بر اقتدارش، خود را خلیفه خواند.

جنگ سوریه وضعیت را تغییر داد. بشار الاسد، رئیس جمهوری سوریه که به شدت مورد تنفر قرار داشت، در بهار سال صدها تن از اسلام گرایان افراطی را از زندان آزاد کرد. بسیاری از آنان به صفوف مجاهدین پیوستند (). این برای «دولت اسلامی عراق» غیرمنتظره بود. در نتیجه «جبهه النصر» تشکیل شد که شاخه سوریه ای آن نماد تبلیغات بشار الاسد بود، که انقلاب را محصول کار شبکه مجاهدین معرفی می کرد.

، ابوبکر البغدادی ترکیب «دولت اسلامی عراق» «جبهه النصره» را تحت اقتدار خویش اعلام کرد، اما، «جبهه النصره» که توسط القاعده حمایت می شد، این ترکیب را رد کرد و با البغدادی قطع ارتباط نمود. «دولت اسلامی عراق و شام» [] «سازمان خلافت اسلامی» نهاد. تاکید بر استقلال، عملکرد های فرامرز، روش های به شدت خشونت آمیز، راهبرد تسخیر سرزمین ها، همه دست به دست هم د تغییر جنبش شد. آنچه باقی ماند: عنوان، امضاء، نماد، هویت و هدف بود که حتی بن لادن جسارت اعلام آن را نداشت: بن لادن در ماه می از بین رفت. ابوبکر البغدادی دنیای جهادگرایی را پیش گرفت، بر اقتدار خویش تاکید نمود و خودخوانده رتبه خود را از امیر به خلیفه ارتقا داد. «امیر» یا «از آن پس خود را به عنوان رهبر معظم جامعه اسلامی و جانشین محمد [ص] معرفی نمود.

وجه مشترک «سازمان خلافت اسلامی» «در برادری مجاهدین و دعوت به جهاد جهانی است که در آن امت یا جامعه اسلامی بر هر گونه ی دیگر از ساختار اجتماعی - حکومت، ملت، قوم، فرهنگ یا زبان - برتری می یابد. این حال، این دو گروه تفاوت هایی نیز دارند.

« بر پایه برادری شکل گرفته بین مجاهدین کوهستان های هندوکش () «هادراماوت» یمن یا « (مالی) ساخته شده است. رهبران آن که در شبکه های اسلامی به عنوان چهره های مستقل روحانی شناخته شده اند، توسط برخی از اعضای مومن و معتقد در جوامعی محدود، بسته و خودکامه پیروی می شوند و پیام های خود را به زبانی مبهم و نمادین اعلام می نمایند.

برادری ای که توسط «سازمان خلافت اسلامی» ترویج می شود انتخابی نبوده و به روی همه باز است. این برادری بر پایه ارتباط گسترده است که مخاطبان آن بسیار فراگیر هستند و از راه کار جنگی عمدتاً پی در پی، به طور وسیع از طریق رسانه ها و شبکه های اجتماعی پخش می شود. در حالی که القاعده تنها به صورت قطره چکان، ویدیوهای با کیفیت بد از سرانش در غارها را نشان می داد.

این امر بدون ارتباط با ساختار دو جنبش نیست. شکل شبکه ای « بنابر ضرورت ساخته شد تا این که از بین رفتن یک حجره مخفی برکل جنبش اثر منفی نگذارد. اما سلسله مراتب جنبش بر پایه اصل اقتدار دوگانه نظامی و مذهبی ساخته . بنا براین، با آن که منشا جنبش های آنها بسیار متفاوت است، عبدالمالک دروکل (القاعده مغرب اسلامی، AQMI)، ابومصعب الزرقاوی (القاعده عراق، AQI)، انور الاولاکی (القاعده در شبه جزیره عربستان، AQPA)، یا حتی رهبران جنبش های متحد با آن مانند ملا عمر (طالبان افغانستان) و سلیمان احمد گودان (الشباب) نمایندگان منطقه یی بن لادن و پس از او ایمن الظواهری، چهره هایی طرح شده از پیامبر اسلام و صحابه او در نمایی فرجام شناسانه (eschatologique) .

جای و مفهوم ریاست در «سازمان خلافت اسلامی» خالی نیست. و بکر البغدادی تاحدی کسل کننده ستایشگر شعار «الله اکبر» . با این حال، مطلق گرایی مشرکانه پرستش رهبر در سازمان او به اندازه « نیست. انگشت رو به آسمان و جنگجویان ناشناس رسانه ای شده، آنچه که باید نمایانده شود خود جنبش است.

بنابراین، « از زمان خلافت اسلامی» به گونه عجیب، بلاخره به مفهوم « (پایه) دست یافته است. پایه مردمی، پایه بنیان گذارنده، پایه قلمرویی و پایه نظامی، «سازمان خلافت اسلامی» همه اینها است و برخلاف پراکندگی اقدامات گاه به گاه « در نیویورک، بمبئی، مادرید یا بالی، به جای کوشش های منزوی بدون برنامه مشخص، خلیفه برای

دست یابی به هدف خود یعنی تسخیر دنیا از طریق اقدامات مسلحانه سطح بالا و برای دنیای جهادگرایی بر مبنای این پایه دارای تنوع است که خلیفه برای دست یابی به هدف خود یعنی تسخیر دنیا حساب می کند.

یک پدیده نه، بلکه اختراع خشونت متکی به اصول

«سازمان خلافت اسلامی» خود را برای انجام این کار وفق کرده است. راهبرد آن اکنون در چهار مورد اساسی با راهبرد « » مورد نخست استقرار دایمی در یک سرزمین، تا ثبات جغرافیایی جنبش را تامین کند. «فت اسلامی» از رویکرد بی ثبات سازی گذشته و در طلب حاکمیت در این سرزمین است، در حالی که « » در پی بی ثبات سازی سرزمین مورد عملیات است و نه اداره مستقیم آن. دیگر اینکه «سازمان خلافت اسلامی» فکر تسخیر بر مبنای مراجع تاریخی را دارد و محل هایی نمادین (رقه، تکریت، موصل) را تصرف می کند که هدف از آنها ویران ساختن نظم پیشین منطقه است. سرانجام، این مبارزه ای محلی، نزدیک و مداوم است که ابزارهایی متفاوت از تروریزم گرفته تا نیروهای استندرد را به کار می گیرد. این امر نشانگر عملی بودن کار «سازمان خلافت اسلامی» قیاس با « » است که با وارد کردن ضربه های غیرمداوم به منافع یا نمادهای غربی در داخل خاکشان یا کشور های متحد با آنها، از طریق شبکه هایی محدود یا مخفی می پردازد.

راهبرد نهایی «سازمان خلافت اسلامی» تسلط آشکار بر همه است: سنی های میانه رو، شیعیان، علوی ها، مسیحیان یهودیان یا ایزدی ها. ضدیت با شیعه، مبارزه علیه کردهایی که بی مذهب تلقی می شوند، بنیاد عقیدتی « اسلامی» را تشکیل می دهد، در حالیکه « » بر پایه انگیزه های ضد غربی ساخته شده است.

خشونت که «سازمان خلافت اسلامی» به راه انداخته، بیانگر موضعی خیلی روشن است: تسلیم ناپذیری کامل. در حالیکه القاعده با دریافت غرامت برای آزادسازی گروگان ها نیازهای مالی خود را تامین می کند، «سازمان خلافت اسلامی» گروگان ها را در منظر عمومی اعدام می کند. این تندروی افراطی به یافتن اعضای جدید کمک می کند که فکر می کنند هیچ گونه همزیستی با بقیه دنیا امکان پذیر نیست. اعضای « » گاه به طور مخفی در میان جوامعی که آنها را محکوم می کنند زندگی می کنند. اعضای «سازمان خلافت اسلامی» از این کار خودداری کرده و در سرزمین خلافت خودخوانده خویش زندگی می کنند. نقطه آغاز گسترش فکری بی مانند، دارای محدوده مشخص، حزم اندیش و هوادار قوت و شدت را باید در اینجا یافت: سلفی گری جهادگرا، یعنی گردهم آمدن همه افراد بشر در یک خلافت سخت گیر و حذف همه آثار جز آنچه که مربوط به اسلام سنی می شود.

این فکر جدید نیست، القاعده قبلا پیشرو آن بوده، اما ترور «ان خلافت اسلامی» خشونت زیاده تر، بهتر رسانه ای شده و سازماندهی شده تر است و به طور روزمره به نمایش گذاشته می شود. این امر نه یک پدیده جدید، بلکه بازسازی چیزی است که دنیا کم کم به آن عادت کرده بود. « » به دلیل جرات هایی که بر اثر هریک از حمله هایش ایجاد شده بود، هرگز اقدامی به گستردگی آنچه که موجب ورودش به صحنه رسانه ای شد، یعنی سوء قصد های را تجدید نکرد. « » با از بین رفتن رهبر آن و تغییر محل مرکزیت آن از افغانستان به پاکستان، زیر ضربه های سخت عملیات نظامی، کشتار های هدفمند و تعقیب های دایمی شروع به نشان دادن علایم خستگی کرده است.

ظهور «سازمان خلافت اسلامی» نماینده تجدید جهادگرایی برای مردمی است که غالبا به هیچ وجه حساسیتی نسبت به حادثه ای سال نداشتند، مانند سنی های عراق و سوریه، که در خط نخست جنگ داخلی خونینی بود که به اشغال امریکا و سرکوب مفرط رژیم سوریه از سال انجامید.

بیشتر همدستان «سازمان خلافت اسلامی» در واقع پیش از سال « » آگاهی نداشتند. یا به این دلیل که به قدر کافی سن و سال نداشتند - جوانی که امروز سال دارد در آن زمان کودکی ساله بود -، یا به این دلیل که هنوز تا این حد دچار تندروی اسلامی با بازتابی بی سابقه از سوی اعضا و نیز، ریشخند تاریخ، حریفانش نشده بودند.

در سال های دهه ، بی گمان جوانان اسکاندیناوی یا چینی این فکر را نداشتند که در کنار مجاهدین افغان یا الجزایری یا منطق «تکفیر» () را بپذیرند و مدرسه به مدرسه به شنیدن روایاتی بنشینند که از اندیشه تاریخی مذهبی به

بسیج عقیدتی جنگجویانه می رسد. امروز شمار پیکارجویان خارجی که از کشورهای غربی نیستند در میان نیروهای () به هزاران تن می رسد.

« سازمان خلافت اسلامی»، جهانی شدن مبادلات موجب تغییر جهادگرایی از راه دسترسی به اطلاعات، ایدئولوژی، شبکه ها... شده است. «سازمان خلافت اسلامی» « را نوسازی نموده و همه را دعوت می کند که برای چشیدن آنچه که به عنوان شان و شوکت زندگی جاودانی شهدا ارایه می کند به حریم قداستش بیایند. « مغرب، ساحل، شاخه افریقا، شبه جزیره عربستان، خاور نزدیک، پاکستان، هند و آسیای جنوب شرقی را جدا جدا سازماندهی می کرد. «سازمان خلافت اسلامی» اول جذب و درخود ترکیب می کند و سپس در هر منطقه ای گسترش می یابد. این سازمان تمرکزگرا است درحالی که « تمرکزگرای بود و از این راه برخی از واحدهای مستقلی که تنها از منظر ایدئولوژیک به « پیوسته بودند را در جمع ولایت های سرزمین خود می آورد ().

«سازمان خلافت اسلامی» که از «دولت اسلامی عراق» به وجود آمده، نخست گروه های جنگجو سوریه ای را به خود . اکنون شمار زیادی در صف پیوستن به این جریان هستند، از اعضای انصار الشریعه در لیبیا () گرفته تا جنبش متحد جهاد در افریقای غربی (موجائو). مساله پیوستن گروه های اصلی « هم مطرح است و موجب تفرقه « عده مغرب اسلامی» (AQMI) ابو عبدالله عثمان العصیمی، یکی از بنیانگذاران گروه سلفی تبلیغ و آموزش مذهبی و جهادی. گروهی از قبل پیشگام این جریان با جدایی از القاعده و بیعت با ابوبکر البغدادی شاخه جدیدی «سازمان خلافت اسلامی» را در مغرب به نام «جند الخلیفه» (اه خلیفه) به وجود آوردند (). در صحرای سینای «انصار بیت المقدس» نخستین گروه سلفی جهادگر محلی نیز به «سازمان خلافت اسلامی» پیوسته است. حتی ابوبکر شکو، چهره جنجالی سلفی گری و رهبر بوکوحرام نیز گفته است: «خدا ابوبکر البغدادی را حفظ کند ()».

ولی این پرسش که آیا «سازمان خلافت اسلامی» « غلبه خواهد کرد، از اهمیتی جانبی برخوردار است زیرا با آنکه این دو گ و ه روش ها و هدف هایی متفاوت دارند، هر دو به صورت موازی به سوی یک هدف حرکت می کنند.

-به معنی «اتحاد برای جهاد»

- Rebecca Bloom, « Fatah al-Islam », Council on Foreign Relations, 8 juin 2007, www.cfr.org

- Armin Arefi, « Syrie : comment Bachar el-Assad a utilisé l'Etat islamique », Le Point.fr, 27 août 2014. Lire aussi Ignace Leverrier, « Syrie. Les vrais ennemis de Bachar al-Assad, pas les "amis de Sadnaya", mais les révolutionnaires et les démocrates », LeMonde.fr, blog Un oeil sur la Syrie, 19 octobre 2013.

-به معنی «نفرین» کردن

- Car te «Origin of foreign fighters in Syria and Iraq », dans «Battle for Iraq and Syria in - Entretien avec Romain Caillet, maps », BBC, 28 novembre 2014, www.bbc.com «Ledjihadisme n'est vu qu'au travers du sensationnel et de l'émotion », Mediapart, 26 novembre 2014.

- «Libya's islamist militants parade with ISIS flags », Al-Arabiya, 6octobre 2014.

- Mélanie Matarese, «Les soldats du califat, des anciens d'Aqmi », LeFigaro.fr, 23 septembre 2014.

-
«Etat islamique :allégeance, soutien, hésitation des groupes africains », Radio France
Internationale, 14 juillet 2014, www.rfi.fr

کلیه حقوق برای نشریه لوموند دیپلوماتیک محفوظ است
© 2016 - 2000 Le Monde diplomatique